

الگوی مناسب خطمشی گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود

رحمان غفاری*

سید محمد مقیمی**

علی اصغر پورعزت***

پذیرش نهایی: ۹۵/۴/۲۸

دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۲۱

چکیده

خطمشی گذاری اساسی ترین جلوه وجودی حکومتها در عرصه تصمیم گیری است. به دلیل دامنه فراگیری خطمشی ها، هر چقدر این مهم با فطرت انسانی و پویاییهای محیطی سازگارتر باشد، کارآمدی و اثربخشی آن بیشتر خواهد بود. هدف این پژوهش دستیابی به الگوی نظری خطمشی گذاری در حکومت‌های اسلامی و معتقد به مهدویت است. برای دستیابی به این هدف از رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد استفاده شد. ابزار این تحقیق مصاحبه‌های ساختاریافته است. مشارکت کنندگان این پژوهش، ۱۸ تن از خبرگان و صاحب نظران شناخته شده و در دسترس از حوزه‌های تخصصی خطمشی گذاری، مهدویت، آینده پژوهی و مدیریت اسلامی هستند که به روش گلوله برفی نمونه گیری شده‌اند. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه در پژوهش، چارچوب الگوی خطمشی گذاری حکومت اسلامی در راستای آینده موعود استخراج شد. در این چارچوب، مقوله «خطمشی گذاری مهدوی» شامل خطمشی گذاری توحیدی (متعالی)، خطمشی گذاری کمالگرا، خطمشی گذاری خردسالار و خطمشی گذاری عدالت محور به عنوان مقوله محوری در نظریه فرایند خطمشی گذاری حکومت موعود در نظر گرفته شد. شاخص گذاری این عوامل و مقوله‌های این چارچوب، می‌تواند به عنوان مبنای تجزیه و تحلیل خطمشی‌های فعلی کشورها و حکومت‌های اسلامی بویژه کشور ایران در افق جهانی مهدوی و عصر انتظار، مورد استفاده قرار گیرد. هم چنین می‌توان از آن به عنوان الگویی مناسب به منظور خطمشی گذاری در حکومت‌های اسلامی با هدف تقرب به جامعه عدل مهدوی استفاده کرد.

کلید واژه‌ها: خطمشی گذاری، خطمشی گذاری مهدوی، آینده پژوهی، آینده پژوهی مهدوی.

rgaffari@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

moghimi@ut.ac.ir

** استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

pourezat@ut.ac.ir

*** استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

مقدمه

طراحی آینده دنیا یکی از مهمترین دغدغه‌های کشورهای توسعه‌یافته است. این کشورها با طراحی خط‌مشی‌هایی به تصویربرداری از آینده می‌پردازند. تصمیم‌سازی برای دیگر کشورها، تصمیم‌ها و سیاست‌های آنها را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. ترسیم دیدمانهای روشن آینده، آگاهی از روندها، پیش‌دستنامه‌ها و تحولات و تصمیم‌گیری بهنگام، می‌تواند هر جامعه و سازمانی را در یافتن بهترین راه‌ها توانا‌تر سازد. در این محیط سرشار از بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال موفقیت و کامروایی دارد، تلاش برای معماری آینده است. امروزه متأسفانه شاهد تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌هایی هستیم که اخلاق و معنویت تقریباً از آن رخت بر بسته و جنگ، ترور، بیماری، بیکاری، فقر، فساد، فحشا و تبهکاری‌های سازمان یافته در آن به امور روزمره تبدیل شده است (گوشال، ۲۰۰۵: ۷۷). تصویرهای آینده، که از طریق افکار در ذهن ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرد، در شکل بخشیدن به آینده جهان نقشی اساسی ایفا می‌کند. این تصویرها به گرایشها و تمایلات ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌دهد و سرانجام بر اقدامات آنها در جهت شکل بخشیدن به آینده تأثیر می‌گذارد. دقیقاً به همین دلیل است که از آینده‌پژوهی دانش خلق افکار آینده‌محور به عنوان ابزار "هدایت اجتماعی" تعبیر می‌شود (کوسا، ۲۰۱۰: ۲).

صاحب‌نظران معتقدند نقش و اهمیت دین و سیاست در سبک‌های حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری امروز بمراتب بیشتر از یک دهه گذشته است (شیرکات و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۷). مهمترین عنصر آینده‌ساز در کشورهای معتقد به مهدویت نیز «اعتقادات مذهبی و دینی» انسانها است که ریشه عمیقی را در فرهنگ جوامع گوناگون گسترانیده است و به اعتقاد برخی از محققان تا ۳۰ سال آینده از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر آینده جهان به‌شمار خواهد رفت (نینا، ۱۹۸۵: ۲۴؛ بین‌بریج، ۲۰۰۴: ۱۰۰۹؛ تیلور، ۲۰۰۴: ۹۹۱). هم‌چنین یافته‌های پژوهشگران نشان از ارتباط شفاف و نزدیک بین خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی دینی و ساخت اجتماعی تمدن بزرگ دارد (فوکس، ۲۰۱۰: ۵۲۲). امروزه اهمیت و نقش بسیار فزاینده باورهای دینی در آینده‌پژوهش و تصویربرداری بر کسی پوشیده نیست به طوری که تلاش می‌شود تا نقش دین در گرایش به آینده طی احکامی به سمت واقع‌نگرتر شدن پیش رود (تان، ۲۰۰۴: ۱۰۲۴).

خردورزی از عوامل حیاتی موفقیت در ساخت آینده است (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۱). بر این مبنا،

کشوری در آینده موفقتر است که بهتر بتواند ظرفیت خردورزی عامه را ارتقاء دهد و فعالانه برای اصلاح کارهای خود به کار گیرد. آینده‌آزمون ارزشهای ماست و ما از طریق تفکر درباره آینده در ارزشهایمان بازنگری می‌کنیم (لامبارو، ۲۰۰۶: ۵۶). این مهم تحت تأثیر موقعیت و تاریخ و گذشته ما قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۳: ۳). الگوها و نظریه‌های مختلفی از ادبیات گذشته خط‌مشی‌گذاری وجود دارد. اینکه می‌توان عیناً از این الگوها و چارچوبها در خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی استفاده کرد که یکی از ارکان آنها، پابندی به آموزه‌های اصیل و حیانی است مسئله اصلی و سؤال اساسی این پژوهش است. خط‌مشی‌ها نمایانگر جهت‌گیریهای بنیادین دولتها در عمل است. هم‌چنین خط‌مشی‌گذاری، اساسی‌ترین جلوه وجودی حکومتها در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا به‌شمار می‌رود. به‌دلیل دامنه فراگیر تصمیم‌ها و خط‌مشی‌ها، هر چقدر این مهم با فطرت انسانی و پویاییهای محیط سازگارتر باشد، کارآمدی و اثربخشی آن برای اداره کارهای عمومی در حکومت‌های اسلامی بیشتر خواهد بود. از این‌رو هدف این پژوهش دستیابی به الگوی نظری فراگرد خط‌مشی‌گذاری در حکومت‌های اسلامی و معتقد به مهدویت در پرتوی قرابت به جامعه عدل مهدوی و سوق به شهر عدل انتظار است.

پیشینه پژوهش

خط‌مشی‌گذاری

خط‌مشی‌گذاری^۱ تعبیری است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی گر اقدامات دولت در اداره درست کارهای عمومی است. از این‌رو طی سالیان گذشته، سیاست (خط‌مشی)‌گذاری به عنوان رشته‌ای علمی مورد توجه دانشمندان، سیاست‌گذاران و مدیران سازمانها قرار گرفته است (قلیپور و غلامپورآهنگر، ۱۳۸۹: ۱). مطالعات خط‌مشی‌گذاری دارای پیشینه طولانی و گذشته کوتاه مدتی است؛ بدین معنی که قرن‌هاست اقدامات دولت، مرکز توجه بسیاری از آزمایشها بوده است اما تحلیل سامانمند آنها با استفاده از چارچوب ساختاری علوم سیاسی به کمتر از ۶۰ سال قبل بر می‌گردد (هاولت، رامش و پرل^۲، ۲۰۰۹: ۱). به اعتقاد لاسول^۳ علم

1 - Policy Making

2 - Howlett M. and Ramesh M. & Perl A.

3 - Lasswel

خط‌مشی دارای سه ویژگی منحصر به فرد است که آن را از رویکردهای پیشین متمایز می‌کند: چند رشته‌ای است. به دنبال حل مشکل است و قویاً هنجاری است (هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ۳). خط‌مشی عمومی، آن چیزی است که دولتها تصمیم دارند انجام دهند یا انجام ندهند (دای^۱، ۲۰۱۳: ۳)؛ به تعریفی دیگر: خط‌مشی عمومی تصمیمی است که در برابر یک مشکل عمومی گرفته می‌شود؛ اما خط‌مشی صرفاً تصمیم نیست، بلکه فرایندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع، و به ارزیابی نتایج اجرای خط‌مشی ختم می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲). خط‌مشی دو ویژگی برجسته دارد: اول اینکه خط‌مشی الگوی عملی است و نه رویداد مجرد و انتزاعی؛ مثلاً راه حل مسائلی که فقط یک بار در تاریخ کشور اتفاق می‌افتد، خط‌مشی نیست. دوم اینکه اجرای خط‌مشی به دلیل نیاز به هماهنگی ساختن عوامل ناسازگار یا ایجاد انگیزه برای اقدام جمعی در افرادی که اهداف مشترک دارند و با یکدیگر همکاری می‌کنند، رفتار اجتماعی به‌شمار می‌رود. ویلیام جنکینز^۲ (۱۹۷۸) در مقایسه با دای، تعریف مفهومی دقیقتری را از خط‌مشی‌گذاری عمومی ارائه می‌کند. وی در تعریف خط‌مشی به چند نکته مهم اشاره دارد. جنکینز خط‌مشی را «مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آنها در وضعیت مشخص تعریف کرده است به شرط اینکه این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران گرفته شده باشد» (جنکینز، ۱۹۷۸: ۶).

به اعتقاد هاولت و همکاران (۲۰۰۹) در بسیاری از تعاریف خط‌مشی‌گذاری، تلاش بر این است که پژوهشگران، این فکر را القا کنند که خط‌مشی‌گذاری، فرایندی فنی - سیاسی است که از تعیین و انطباق اهداف و ابزارهای موجود در میان فعالان اجتماعی شکل می‌گیرد (هاولت و همکاران، ۲۰۰۹: ۴ - ۷). نویسندگان مدیریت و علوم سیاسی، خط‌مشی عمومی^۳ را به شکل‌های مختلف تعریف کرده‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت: خط‌مشی عمومی، تصمیم دولت یا حکومت در رویارویی با یک موضوع، چالش یا یک مسئله عمومی است. همان‌طور که هدفها، نتایج مورد انتظار را مشخص می‌کند و برنامه‌ها، راه رسیدن به آنها را روشن می‌سازد، خط‌مشی‌ها راهنمای رفتار است و اولویتها، باید‌ها و نبایدها را معین می‌کند. خط‌مشی عمومی هم‌چنین نشان‌دهنده خطوط کلی در فعالیتها و اقدامات بخش عمومی است (الوانی، ۱۳۸۷؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳؛

1 - Dye

2 - Jenkins

3 - Public Policy

تسلیمی، ۱۳۹۲؛ هاوالت، رامش و پرل، ۲۰۰۹؛ گیورگیان و ربیعی ۱۳۸۱؛ قلیپور و غلامپور ۱۳۸۹).

الگوهای خط‌مشی‌گذاری عمومی

تصمیم‌گیرندگان در فرایند خط‌مشی‌گذاری، کوشش می‌کنند با استفاده از الگوهای مختلف به راه حل مطلوب دست یابند و آن را بسادگی مورد آزمون قرار دهند. الگوهای خط‌مشی‌گذاری تقریباً در تمامی منابع (داخلی و خارجی) به صورت مشابه ذکر شده است؛ مثلاً هاوالت و همکارانش (۲۰۰۹) به‌طور کلی الگوها را به چند دسته شامل الگوهای عقلایی، تدریجی، سطل زباله و غیره تقسیم‌بندی می‌کنند (هاوالت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ۱۴۲ تا ۱۵۸). الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۳) الگوها را در قالب استعاره خط‌مشی بیان می‌کنند: خط‌مشی‌گذاری به‌مثابه بازده نهادی (الگوی نهادی)، خط‌مشی‌گذاری به‌مثابه فعالیت سیاسی (الگوی فرایندی)، خط‌مشی‌گذاری به‌مثابه کسب حداکثر منافع اجتماعی (الگوی عقلایی)، خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان انتخابی عقلایی در وضعیت رقابتی (الگوی نظریه بازیها) (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹ تا ۶۳؛ الوانی، ۱۳۸۷: ۴۲ تا ۸۶). توماس دای (۲۰۱۳) در کتاب «درک سیاست‌گذاری عمومی»، الگوهای خط‌مشی‌گذاری عمومی را از دید الگوهایی همچون نهادگرایی، فرایندی، تغییرات تدریجی، گروهی، نخبگان و نظریه بازیها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (دای، ۱۹۷۹: ۳۲ تا ۱۵). قلیپور و غلامپور آهنگر (۱۳۸۹) به بررسی الگوهایی نظیر تعقل‌گرایی، رضایت‌بخش، ترکیبی، تغییرات تدریجی و غیره پرداختند (قلیپور و غلامپور، ۱۳۸۹: ۸۱ تا ۹۱). لستر و استوارت (۱۳۸۰) در کتاب «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، رویکردی تکاملی»، الگوهای نخبه‌گرایی و جامعه مرکب را تحلیل کرده‌اند (لستر و استوارت، ۱۳۸۰: ۵۹ تا ۸۲). الماسی (۱۳۹۳) نظریه‌ها و الگوهایی نظیر نظریه خواص، نظریه انتخاب منطقی، نظریه نظام و غیره را معرفی نموده است (الماسی، ۱۳۹۳: ۸۱ تا ۱۱۰). دانش‌فرد (۱۳۹۳) نیز به ذکر الگوهای مختلفی نظیر مثلث آهنین، خوشه‌های قدرت، پادشاه و پادشاه‌سازان و غیره پرداخته است (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ۵۲ تا ۷۱).

در جدول ذیل به‌طور خلاصه ویژگی برخی از الگوها مشاهده می‌شود:

جدول ۱: مقایسه الگوهای خطمشی گذاری

الگوی اجتماعی	الگوی تدریجی	الگوی عقلایی	الگوی بحرانی	الگو محور مقایسه
عوامل متعدد	عوامل با نفوذ	خبرگان	دیوانسالاران/مدیران	طراح
کوتاه و بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	فوری	اهداف
مسئولیت مشترک	توافق سیاسی	دانش فنی	اختیار رسمی	منابع قدرت
هنری و علمی	هنری	علمی	نه هنری، نه علمی	دیدگاه

(هاولت، ۲۰۰۹: ۱۱۶؛ الوانی، ۱۳۹۲: ۵۹)

آینده پژوهی دینی و مهدوی

از آنجا که خطمشی گذاری عمدتاً در کارهای جاری صورت می پذیرد، تحلیل روش شناختی و بررسی جزئیات و ابعاد آن راحت تر خواهد بود. در این پژوهش به سبب بررسی و تحلیل خطمشی در آینده ای موعود، نویسندگان باید به آینده، مفاهیم آینده پژوهی، آینده پژوهی دینی و... گریزی بزنند.

«آینده پژوهی» شناخت آینده در موضوعات و پدیده های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناوری است که امکان انتخاب، برنامه ریزی و رویارویی آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و بایسته فراهم می سازد (عنایت الله، ۲۰۰۲: ۴۶۷). در واقع آینده پژوهی در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آنها را فراهم سازد و یا الگوها و سناریوهای مطلوب و موجهی برای آن ارائه کند (پورعزت، ۱۳۸۲: ۱۸). از آنجا که بخش مهمی از «آموزه مهدویت» توجه به آینده و بایستگی آمادگی، برنامه ریزی و زمینه سازی برای شکل گیری «آینده مطلوب» است (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۴ تا ۲۳)، می تواند در بعضی از روشها و نگرشها پیوندهایی با «آینده پژوهی» داشته باشد؛ در ضمن این عرصه می تواند دانش جدیدی را تحت عنوان «آینده پژوهی مهدوی» شکل دهد. مهمترین رکن «آینده پژوهی» درک و شناخت آینده و ترسیم و تصویر وضعیت های ممکن و محتمل از آن و حرکت به سمت وضعیت مطلوب و مرجح باشد (سردار، ۲۰۱۰: ۱۷۹).

«آینده»، پایدارترین آموزه‌ای است که مورد توجه ادیان الهی [بوئیه اسلام] است (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). پاره‌ای از آموزه‌های ادیان الهی درباره آینده و متوجه ساختن انسانها به فرجام جهان است. این فرجام باوری هم می‌تواند شامل معاد باوری باشد و هم پایان باوری تاریخی و بر این اساس هم پیشگویی غیبی شکل می‌گیرد و هم سنت‌شناسی تاریخی. بهره‌گیری از آیات و روایات و تأمل و اندیشه در حوادث و رویدادها، می‌تواند نگاه ما را به آینده، سامان درستی بخشد و نوعی آینده‌پژوهی متعالی، مطمئن، بالنده و مترقی را شکل دهد. این رویکرد علمی با محوریت «آموزه مه‌دویت» شکل می‌گیرد و می‌تواند تشکیل‌دهنده دانش جدیدی با نام «آینده‌پژوهی مه‌دوی» باشد. مهمترین رکن این رویکرد، «انتظار ظهور منجی موعود» است که در آینده‌شناسی، هدفمندی، امیدگرایی و فرجام‌باوری تأثیر بسزایی دارد.

انتظار یعنی چشم به راهی، حرکت رو به جلو، نظر و تأمل داشتن به آینده، قرار گرفتن در جهت و مسیر درست. انتظار در چشم‌انداز آینده‌پژوهی از حالت چشم به راهی و امید بستن صرف به آینده فراتر می‌رود و به آینده‌نگری یعنی تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع و رویدادها تبدیل می‌شود. مهمترین رکن این انتظار، شناخت درست آینده و مسئولیت‌شناسی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان از آن با عنوان «علم الانتظار» «انتظار پویا» و «انتظار مثبت و سازنده» یاد کرد. این انتظار، در سامان بخشی به برنامه‌ها و رفتارهای فردی، جمعی و فرا ملی تأثیر بسزایی دارد و در تعیین راهبردها براساس آینده موعود و وضعیت‌های ممکن و محتمل آنی، نقش ایفا می‌کند.

در روایات اسلامی به تصریح و یا تلویح، نظر منتظران را به این نکته جلب می‌کند که برای درک و شناخت امر الهی (ظهور) به شناخت تحولات و تغییرات نیاز است و در واقع شخص منتظر در کنار انتظار ظهور منجی موعود، پیوسته رویدادها و حوادث پیرامون آن را نیز مورد رصد، شناسایی و ارزیابی قرار می‌دهد و براساس آن، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌کند؛ برای تحقق زمینه‌ها و شرایط قیام جهانی می‌کوشد و آمادگی هر چه بیشتری برای آن پیدا می‌کند. تدوین الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی در این پژوهش با همین هدف صورت پذیرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دید ماهیت بنیادی (اکتشافی) است که به روش کیفی صورت پذیرفته است. در این پژوهش از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به عنوان یکی از شیوه‌های روش تحقیق کیفی با هدف شناخت و درک نظر و افکار افراد از رویدادها و وقایع آینده در بستری از واقعگرایی خاص استفاده شده است (کوربین و استراووس، ۲۰۰۸: ۱۵). هدف این مطالعه، تصویرپردازی از آینده موعود و محتوم در زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی برای دستیابی به نظریه‌ای در این حوزه است. مهمترین ابزار این پژوهش نیز مصاحبه‌های ساختاریافته است. سؤالات پژوهش، که مستخرج از منابع اصلی خط‌مشی‌گذاری است، عبارت است از:

- ۱ - شکل مدیریت و خط‌مشی‌گذاری حکومت اسلامی، در آینده موعود چگونه است؟
(تعریف خط‌مشی و خط‌مشی‌گذاری: ویژگی خط‌مشی‌های آینده) (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۰۸)
- ۲ - ماهیت مسائل و مشکلات آینده موعود چگونه است و چطور در خط‌مشی‌گذاری متبلور می‌شود؟ (ابزار و راه‌هایی که از آن طریق مسائل و مشکلات درک می‌شود چیست؟) (هاولت و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۳)
- ۳ - شکل سازمان‌های عمومی برای حل مسائل و مشکلات جامعه چگونه است؟ (آیا بوروکراسی اداری داریم؟ کارگزاران دولتی چه ویژگی‌هایی دارند؟ چطور برای حل مسائل عمومی از آنها استفاده می‌شود؟) (دای، ۲۰۱۳: ۸۹)
- ۴ - سبک‌های حل مسئله در خط‌مشی‌گذاری دولتهای اسلامی در پرتوی آینده موعود چگونه است؟ (سبک شهود، تفکر عقلایی، سبک اکتشافی و... کدام یک؟) (الوانی، ۱۳۸۷: ۳۹)
- ۵ - شاخص‌های ارزیابی گزینه‌ها در خط‌مشی‌گذاری حکومت موعود چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ (هاولت و همکاران، ۲۰۰۹)
- ۶ - روش‌های اجرای خط‌مشی‌ها در دولتهای اسلامی در پرتوی آینده موعود چگونه است؟ (ابزار اجرا، نقش افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ، رسانه‌ها، احزاب و...). (هاولت و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۱۶)
- ۷ - با توجه به وضعیت فعلی حکومت‌های اسلامی و از سوی دیگر تصویری که از حکومت در آینده موعود وجود دارد، حکومت‌ها چه اقداماتی را برای رسیدن از وضعیت موجود به سمت آینده

موعود می‌توانند انجام دهند؟

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش برابر ۱۸ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران شناخته‌شده و در دسترس از حوزه‌های تخصصی خط‌مشی‌گذاری، مهدویت و آینده‌پژوهی هستند که به روش «ارجاع دوباره» نمونه‌گیری شده‌اند؛ به این ترتیب که از افراد آگاه خواسته می‌شد برای مصاحبه‌های بعدی، افراد متخصص، آگاه و آشنا به این موضوع را معرفی کنند. به این ترتیب از این تعداد شش نفر از مشارکت‌کنندگان جزء خط‌مشی‌گذاران و یا استادان حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، هشت نفر جزء متخصصان حوزه مهدویت و چهار نفر آینده‌پژوهی دینی با تخصص مدیریت اسلامی و آینده‌پژوهی مهدوی هستند.

در جدول زیر شماره مصاحبه‌شوندگان و گروه مربوط به هر کدام نشان داده شده است:

جدول ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان

گروه مشارکت‌کننده	شماره مصاحبه	مدت مصاحبه (دقیقه)
متخصصان حوزه آینده‌پژوهی و مدیریت اسلامی	۲-۴-۵-۱۲	۳۷۶
متخصصان و پژوهشگران خط‌مشی‌گذاری	۱۰-۷-۸-۱۳-۱۴-۱۸	۵۱۰
متخصصان حوزه مهدویت	۱-۲-۳-۶-۱۱-۱۵-۱۶-۱۷	۵۶۸

در این پژوهش با توجه به دیدگاه‌های گل‌افشانی (۲۰۰۳)؛ جانسون (۱۹۹۷) و پاتون (۲۰۰۲) از سه روش کثرت‌گرایی شامل کثرت‌گرایی در شیوه (بازآزمون روش کار)، کثرت‌گرایی در پژوهشگر (آزمون قابلیت اطمینان بین شناسه‌گذاران) و کثرت‌گرایی مشارکت‌کننده (استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان الگو) برای تأیید اعتبار پژوهش بهره گرفته شده است. منظور از کثرت‌گرایی در مشارکت‌کننده این است که چنانچه فرایند پژوهشی و تفاهمنامه پژوهش به صورت کامل برای یک دسته از افراد جدید و با ویژگی‌های مشابه تکرار شود، باید نتایج مشابهی به دست آید. در پژوهش تفاهمنامه مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کامل برای پنج نفر مصاحبه‌شونده جدید مورد استفاده قرار گرفت. برای محاسبه درصد اعتبار بازآزمون پژوهش بین مصاحبه‌شوندگان جدید شناسه‌های مشخص شده در دو آزمون با هم مقایسه شد. در هر کدام از بخش‌های پژوهش (پژوهش اصلی و پژوهش اعتبارسنجی) شناسه‌هایی که در دو

فاصله زمانی با هم مشابه است با عنوان «توافق» و شناسه‌های غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شود.

جدول ۳: محاسبه پایایی بازآزمون پژوهش (کثرت‌گرایی در مصاحبه‌شونده)

تعداد کل شناسه‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱۰۰	۶۳	۳۷	٪ ۸۶

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود تعداد کل شناسه‌ها در دو مرحله پژوهش برابر ۱۰۰، تعداد کل توافقات بین شناسه‌ها در این دو زمان برابر ۶۳ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۳۷ است؛ بنابراین درصد اعتبار روش کثرت‌گرایی در مصاحبه‌شونده در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۶ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کاول، ۱۹۹۶: ۲۳۷)، اعتبار مصاحبه‌شوندگان و روش انتخاب آنها مورد تأیید است. در تحقیق برای محاسبه پایایی بازآزمون از بین مصاحبه‌ها سه مصاحبه انتخاب، و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی ۱۵ روزه توسط پژوهشگر شناسه‌گذاری شده است. نتایج این شناسه‌گذاریها در جدول زیر آمده است:

جدول ۴: محاسبه پایایی بازآزمون

ردیف	تعداد کل شناسه‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	۶۹	۲۷	۱۵	٪ ۷۸
۲	۵۴	۲۲	۱۰	٪ ۸۱
۳	۶۰	۲۷	۶	٪ ۹۰
کل	۱۸۳	۷۶	۳۱	٪ ۸۳

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، تعداد کل شناسه‌ها در دو فاصله زمانی ۱۵ روزه برابر ۱۸۳، تعداد کل توافقات بین شناسه‌ها در این دو زمان برابر ۷۶ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۳۱ است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌ها در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۳ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کاول، ۱۹۹۶: ۲۳۷)، قابلیت اعتماد شناسه‌گذاریها مورد تأیید است.

برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو شناسه‌گذار (ارزیاب) از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (شناسه‌گذار) در پژوهش مشارکت کند: آموزشها و شیوه‌های لازم برای شناسه‌گذاری مصاحبه‌ها به وی انتقال داده شد، سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، سه مصاحبه را شناسه‌گذاری کرد و درصد توافق بین شناسه‌گذاران که به عنوان سومین شاخص اعتبارسنجی تحلیل به کار می‌رود در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۵: محاسبه پایایی بین دو شناسه‌گذار

ردیف	تعداد کل شناسه‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بین دو شناسه‌گذار (درصد)
۱	۷۸	۳۳	۱۲	٪۸۵
۲	۷۱	۲۸	۱۵	٪۷۹
۳	۴۹	۲۰	۹	٪۸۲
کل	۱۹۸	۸۱	۳۶	٪۸۲

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، تعداد کل شناسه‌ها، که توسط محقق و همکار تحقیق به ثبت رسیده است، برابر ۱۹۸، تعداد کل توافقات بین این شناسه‌ها ۸۱ و تعداد کل عدم توافقات بین این شناسه‌ها برابر ۳۶ است. پایایی بین شناسه‌گذاران برای مصاحبه‌های این تحقیق با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۸۲ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کاول، ۱۹۹۶: ۲۳۷)، قابلیت اعتماد شناسه‌گذارها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های مصاحبه‌ها بدقت مطالعه، بررسی و تحلیل شد. در مجموع فراوانی کل تعبیرهای ۱۸ مصاحبه پژوهش برابر ۱۵۸۱۵ تعبیر بود. با استفاده از امکان سنجش فراوانی واژگان، که در نرم‌افزار (Atlas. ti) وجود دارد، فراوانی تعبیرها در مصاحبه‌های پژوهش اندازه گرفته شده است. در ادامه به داده‌هایی که مشابه یکدیگر بود، مفاهیمی متناسب اختصاص داده شده است؛ به عنوان مثال با بررسی نقل قول زیر، مفهوم «خط‌مشی‌گذاری توحیدی (متعالی) و حاکمیت آموزه‌های دینی»

استخراج شد:

در بحث مهدویت تأکید بر این است که اساس حاکمیت بر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. بنابراین قطعاً یک حکومت دینی خواهد بود و عواملی که در آن لحاظ می‌شود تماماً عوامل دینی است. نه فقط اسلام که بحث مهدویت را مطرح می‌کند، بلکه اغلب کسانی که جامعه آرمانی و موعود را بشارت می‌دهند، محوریت آن جامعه و اداره و مدیریت آن جامعه را بر عهده رهبر دینی گذاشته و آن را به عنوان مدیریت جامعه و حاکم جامعه معرفی کرده‌اند. ما معتقد هستیم که اصرار در خطمشی‌گذاری این نظام بر پایبندی به آموزه‌های وحیانی است.

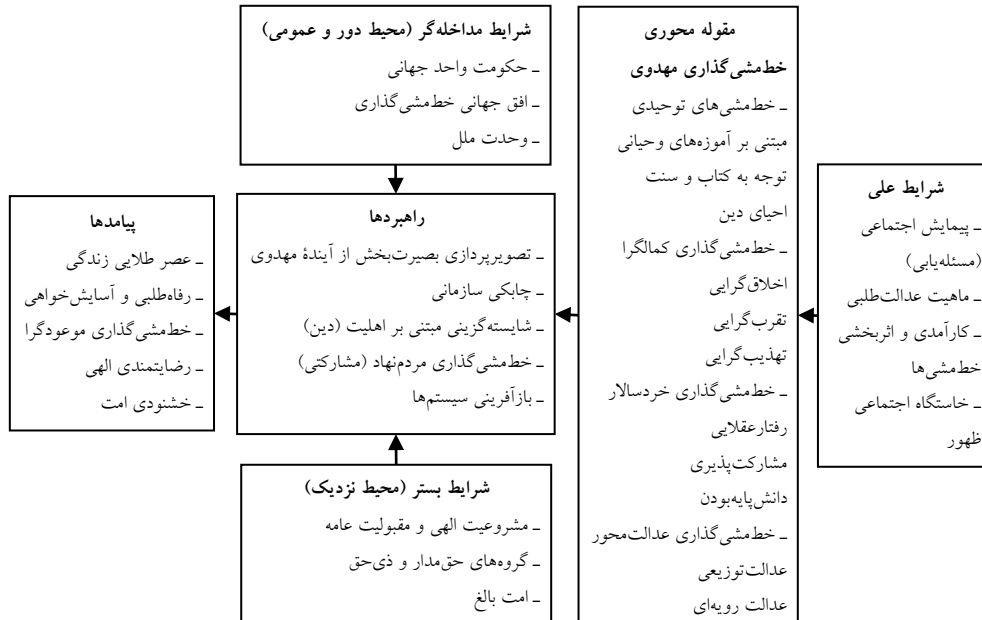
در این نقل قول از اشارات پاسخ‌دهنده در مورد نوع حکومت، و سامانه تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری آن برچسب «خطمشی‌گذاری توحیدی» استخراج شده است. بقیه مفاهیم نیز طبق همین روال استخراج شده است. پس از بررسی داده‌ها برچسب‌زنی به رویدادها و وقایع و سپس استخراج مفاهیم، هر یک از این مفاهیم با یکدیگر مقایسه شد تا شباهتها و تفاوت‌هایشان مشخص شود. این کار برای تشکیل مقوله‌ها صورت پذیرفته است؛ به عنوان مثال، محقق با مقایسه مفاهیم مختلف، دریافته است که مفاهیم «خطمشی‌گذاری اطلاعات محور» و «خطمشی‌گذاری غیرشهودی و عقلایی» اشاره به یک چیز دارد؛ اینکه خطمشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی در آینده موعود نیازمند ساز و کارها و روشهایی است که فراگرد خطمشی‌گذاری را طوری تنظیم کند که تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری اصولی و دانش‌بنیان، جای خطمشی‌های سلیقه‌ای و نامطمئن را بگیرد. با توجه به این مطلب، محقق از هر دو مفهوم، مقوله «خطمشی‌گذاری خردسالار» را استخراج کرده است. این مفهوم در سطح بالاتری از مفاهیم است و هر دو مفهوم را پوشش می‌دهد. دیگر مقوله‌ها نیز به همین صورت استخراج شده است. در مجموع ۲۳ مقوله، ۶۷ مفهوم و ۱۵۹ شناسه اولیه شناسایی و استخراج شده است.

با استفاده از رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد، مقوله محوری در نظریه خطمشی‌گذاری حکومت اسلامی در آینده موعود، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر (محیط دور)، شرایط زمینه‌ای (محیط نزدیک)، راهبردها و پیامدهای ناشی از این راهبردها شناسایی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله شناسه‌گذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی (خلق نظریه) انجام گرفت. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه در پژوهش چارچوب الگوی خطمشی‌گذاری حکومت اسلامی در راستای آینده موعود استخراج گردید. در این

چارچوب مقوله «خط‌مشی‌گذاری مهدوی» شامل خط‌مشی‌گذاری توحیدی، خط‌مشی‌گذاری کمالگرا، خط‌مشی‌گذاری خردسالار و خط‌مشی‌گذاری عدالت‌بنیان به عنوان مقوله محوری در نظریه فرایند خط‌مشی‌گذاری حکومت موعود در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب این مقوله‌ها به عنوان مقوله محوری این است که براحتی می‌توان مشاهده کرد که به نوعی در تمامی مصاحبه‌ها، رد پای از این مفاهیم دیده می‌شود؛ به دیگر سخن، اغلب مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که خط‌مشی‌گذاری ناب، که در اینجا به «خط‌مشی‌گذاری مهدوی» مصطلح شده است، روشها و ساز و کارهای متفاوتی دارد که بعضاً با فراگرد فعلی خط‌مشی‌گذاری در حکومت‌های اسلامی متفاوت است. عدالت‌محوری، کمال‌جویی، خردسالاری و دیدگاه توحیدی خط‌مشی‌گذاری مهدوی آن را از سامانه خط‌مشی‌گذاری فعلی متمایز می‌کند. بنابراین مقوله «خط‌مشی‌گذاری مهدوی» و زیرشاخه‌های آن را می‌توان به عنوان مقوله محوری برگزید تا جامعیت و ظرفیت انتزاعی‌تر بودن آن برجسی برای دیگر مقوله‌ها باشد.

شناسه‌گذاری انتخابی و خلق نظریه

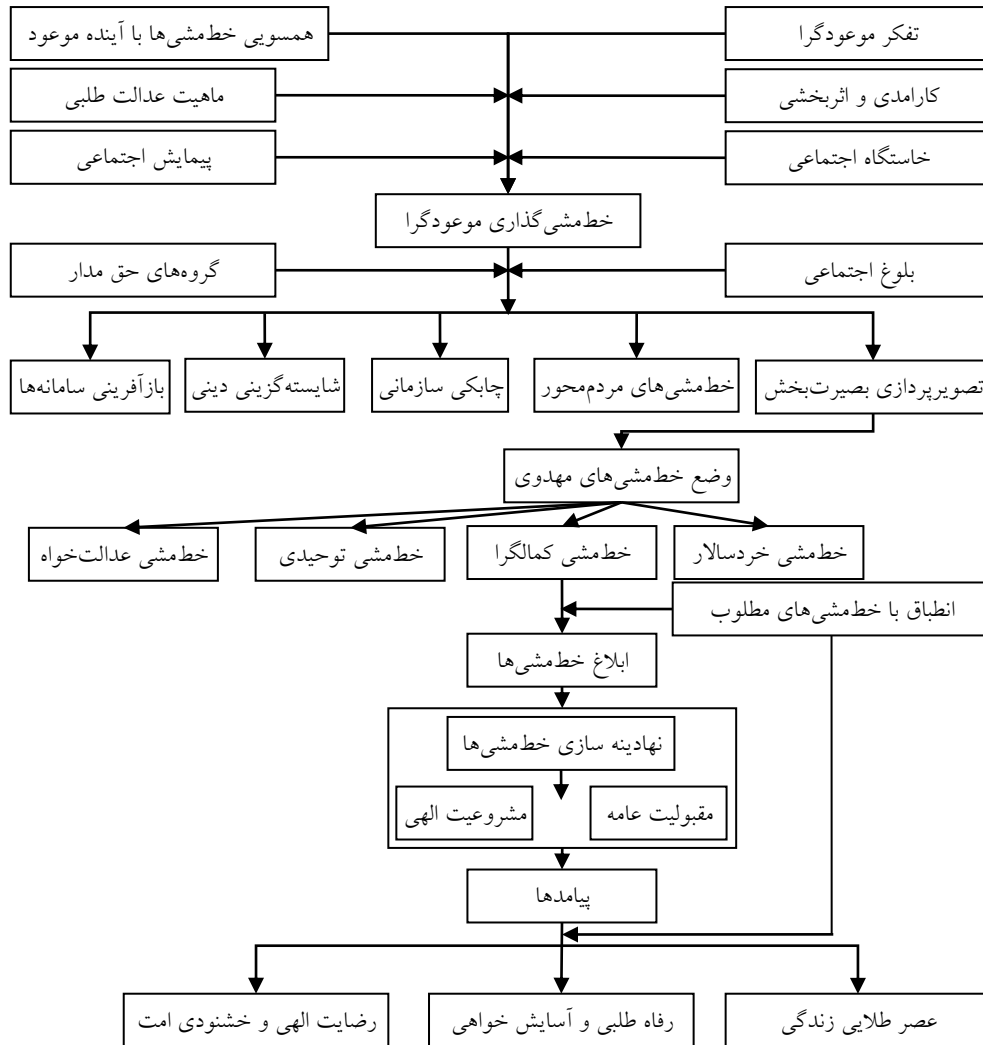
شناسه‌گذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی داده بنیاد است که بر اساس نتایج شناسه‌گذاری باز و محوری به ارائه نظریه می‌پردازد. شناسه‌گذاری انتخابی فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها است به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم می‌کند. در این سطح سعی می‌شود با کنار هم نهادن مقوله‌ها حول مقوله محوری به منزله مضمون اصلی، یک روایت نظری برای پدیده ارائه، و ضمن آن، حول این رشته اصلی، بین مفاهیم و مقوله‌ها ارتباطی نظام‌مند ایجاد شود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سامانه‌ای در حوزه خط‌مشی‌گذاری حکومت(های) اسلامی و حتی غیراسلامی مطلوب و مناسب تلقی می‌شود که بتواند به طور دقیق، صحیح و معتبر مسائل و مشکلات سطح امت اسلامی را شناسایی، و به نحو سریع و متناوب گزینه‌های حل مسئله را بررسی، و به طور کارا و مؤثر آن را حل کند و در دستور کار و روشهای اجرایی قرار دهد. نتایج شناسه‌گذاری انتخابی به استخراج الگوی ذیل منجر گردیده است.



نمودار ۱: الگوی پارادایمی شناسه‌گذاری محوری خط‌مشی گذاری مهدوی

در ادامه صفحه بعد ما شاهد الگویی ترسیمی از فراگرد خط‌مشی گذاری مهدوی هستیم. در این الگو تفکر موعودگرا و همسویی خط‌مشی‌ها با آینده موعود از بسترهای ابتدایی برای تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مهدوی به‌شمار می‌رود. پیمایش اجتماعی، ماهیت عدالت‌طلبی، خاستگاه اجتماعی ظهور در کنار وجود گروه‌های حق‌مدار و بلوغ اجتماعی، تعیین‌کننده راهبردهای اساسی برای خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود. راهبردهایی نظیر تصویرپردازی بصیرت‌بخش، شایسته‌گزینی، چابکی سازمانی، مشارکت‌پذیری و بازآفرینی سامانه‌های تصمیم‌ساز به وضع خط‌مشی‌های مهدوی کمک خواهد نمود.

وضع خط‌مشی‌ها با توجه به چهار مقوله عدالت‌خواهی، کمال‌گرایی، نگاه توحیدی و خردسالاری به ادامه روند خط‌مشی‌گذاری منجر، و نهادینه‌سازی خط‌مشی‌ها پس از مشروعیت الهی و مقبولیت عامه آن به پیامدهایی نظیر آرامش، امنیت، عدالت و رضایتمندی ختم خواهد شد. توجه شود که در تمامی این مراحل و بویژه در انتخاب گزینه‌های خط‌مشی‌گذاری، انطباق تصمیم‌ها با معیارهای خط‌مشی‌گذاری مهدوی نظیر "قرب الهی، رضایتمندی خداوند، رضایتمندی امت، سعادت‌خواهی و ... " مطمح نظر قرار خواهد گرفت.



نمودار ۲: نظریه خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود

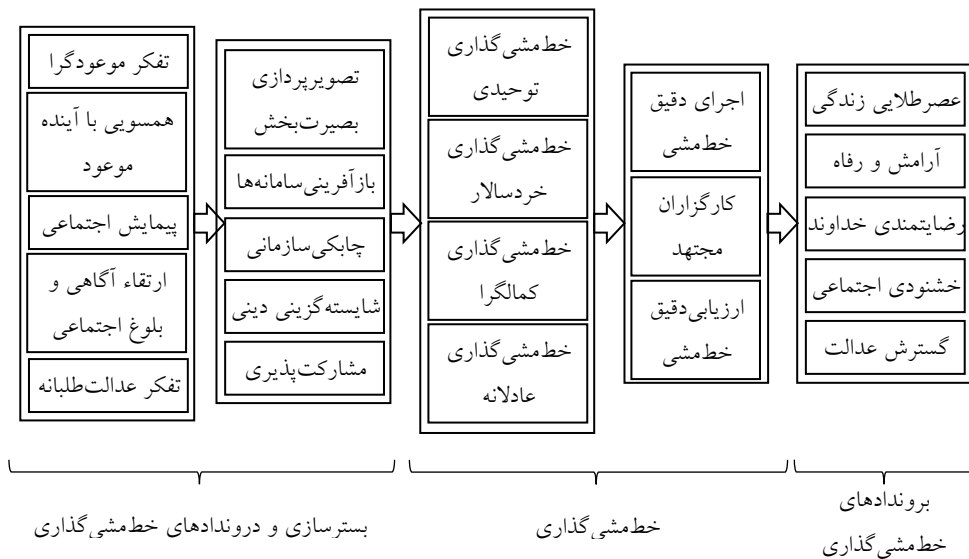
با توجه به تعاریف متون خط‌مشی‌گذاری می‌توان به استناد نتایج این پژوهش و رویکردهای مشخص شده از خبرگان این تحقیق، تعریف خط‌مشی‌گذاری مهدوی را از سه دید معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی)، هستی‌شناسی (آنولوژی) و شناخت‌شناسی ارائه کرد. از دید معرفت‌شناسی در

خط‌مشی‌گذاری مهدوی شناخت افراد و کسب اطلاعات درباره‌ی گزینه‌های خط‌مشی از طریق جستارگری فردی و مشارکت گروهی انجام می‌پذیرد. کارگزارانی که خط‌مشی‌گذاری می‌کنند به سبب تخصص خوب و همین‌طور بلوغ دینی و علمی توانمندی که دارند، تصمیمات بهینه و سالمی می‌گیرند. تقوای الهی و اجتهاد اجرایی باعث ایجاد توانمندی خاصی در آنها می‌شود و به تصمیم‌گیری مطلوب کمک می‌کند. از نگاه هستی‌شناسی خط‌مشی‌های مهدوی، خط‌مشی‌هایی مبتنی بر فطرت و برخاسته از متن آموزه‌های وحیانی و سنت اهل بیت علیه‌السلام است. این خط‌مشی‌ها صرفاً به دلیل حل مسائل و معضلات مادی و اخروی مردم شکل می‌گیرد و جز به سعادت دنیا و آخرت امت اسلامی به چیزی نمی‌اندیشد و نهایتاً خط‌مشی‌های مهدوی از دید روش‌شناسی به این مسئله می‌پردازد که چگونه پژوهشگر باید شناختی را بشناسد. مهمترین ابزار تدوین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی مطلوب آنها، علم امام، جهاد اجرایی کارگزاران، مشارکت‌پذیری امت و امدادهای غیبی است. از این رو با توجه به این سه عامل می‌توان «خط‌مشی‌گذاری مهدوی» را چنین تعریف کرد:

خط‌مشی‌گذاری مهدوی فرایند آمایش مسائل اساسی و عمومی امت واحده، تدوین خط‌مشی‌های مشروع و سعادت‌بخش بر اساس حکمت عملی و خردسالاری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، اخلاق و مشارکت اجتماعی است و به‌واسطه‌ی کارگزارانی که اجتهاد مدیریتی دارند، اجرا و ارزیابی می‌شود.

در این تعریف چند نکته حائز اهمیت است: اولاً خط‌مشی‌گذاری با مطالعه‌ی مشکلات و جستار دقیق در مورد مسائل فطری و حیات طبیعی امت واحده آغاز می‌شود. این مسائل از طریق مشارکت عامه، علم امام معصوم، خردمندی کارگزاران و روشهای دیگر، قابل تشخیص و تبیین خواهد بود. ثانیاً خط‌مشی‌های وضع شده، تماماً مشروعیت الهی دارد؛ زیرا از ناحیه‌ی امام معصوم کنترل و هدایت می‌شود. امت تنها مقبولیت آن را مشخص می‌کند و همچون عبد مؤمن به اجرای آن رضایت می‌دهد. ثالثاً تمامی تصمیم‌گیرها و خط‌مشی‌گذارهای خرد و کلان، خردمندان و دانش‌بنیان خواهد بود. تصمیماتی که بر علم امام، خردمندی و مقام فرقان کارگزاران و مشارکت عمومی استوار است. رابعاً در همه‌ی مراحل خط‌مشی‌گذاری اصالت با مجریانی است که صاحب علم، تقوا، بصیرت، سعه صدر، شجاعت و در یک کلام اجتهاد اجرایی هستند. وجود این کارگزاران به اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌ها و پس از آن ارزیابی و نظارت دقیقتر آنها کمک خواهد کرد. با

توجه به نتایج الگوی پژوهش، محقق برای کشورها و حکومت‌های اسلامی در پرتوی رسیدن به خط‌مشی‌گذاری مهدوی الگوی فراگردی ذیل را ارائه می‌کند؛ الگویی که به واسطه آن مسیر راه خط‌مشی‌گذاری این کشورها در راستای تحقق حکومت مهدوی پیشنهاد می‌شود.



نمودار ۳: الگوی فرایندی خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی در پرتوی آینده‌موعود

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی ادبیات و سابقه پژوهشی و مقایسه آن با نتایج پژوهش کنونی نشان می‌دهد که مفهوم و معیارهای خط‌مشی‌گذاری در ایران با خط‌مشی‌گذاری تصویرپردازی شده از آینده‌موعود تفاوت‌هایی دارد. خط‌مشی‌گذاران، تحت تأثیر باورها، ارزشها و تصاویر ذهنی خود از حال و آینده به تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری اقدام می‌کنند و سپس با همان رویکرد به اجرا و ارزیابی اقدامات خواهند پرداخت. شاید بتوان اظهار کرد که مهمترین دستاورد پژوهش این است که به خط‌مشی‌گذاران، سیاستمداران، مدیران (کارگزاران)، خبرگان و جامعه علمی مرتبط با مسائل خط‌مشی‌گذاری یادآور شود که تفکر ناب مهدویت خود هم رویکرد و بستری بکر، ناب و الهی برای استقرار نظام ارزشی و نگرشی مدیریت بر مبنای خط‌مشی‌های مهدوی است و هم الگوسازی

خط‌مشی‌گذاری بر مبنای این تفکر همچون الگوی افق خط‌مشی‌گذاری مهدوی می‌تواند بدیل‌هایی برای الگوها و فراگردهای خط‌مشی‌گذاری موجود، متناسب با نگاه دینی، ارزشی و بومی ما باشد. همان‌طور که در الگوی پارادایمی نشان داده شد، «خط‌مشی‌گذاری مهدوی» به عنوان مقوله محوری در نظریه خط‌مشی‌گذاری حکومت اسلامی در پرتوی آینده موعود عمل می‌کند. این مقوله، گستره وسیعی از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری نظیر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد (الوانی، ۱۳۸۷: ۱۲). یکی از یافته‌های این پژوهش مقوله نگاه توحیدی در خط‌مشی‌گذاری بوده است. خط‌مشی‌گذاری توحیدی^۱ در این پژوهش اشاره به امر ایجابی و سیر استکمالی خط‌مشی‌گذاری در عرصه اجرایی دارد. خط‌مشی‌هایی که مبتنی بر علم امام معصوم علیه‌السلام و خردمندی کارگزاران و بلوغ اجتماعی قوی امت اسلامی است. آموزه‌های وحیانی، نص صریح قرآن کریم و دیگر کتابهای آسمانی و همچنین ادامه سنت نبوی و علوی، پایه‌های خط‌مشی‌گذاری متعالی و توحیدی را شکل می‌دهد. خط‌مشی‌هایی که نشان‌دهنده حضور عینی دین در عرصه‌های اجتماعی خواهد بود. برخی از پژوهشگران نیز معتقدند که ایمان افراد و همچنین وجود ارزشهای دینی و اعتقادی در افراد خط‌مشی‌گذار و تصمیم‌گیرنده به خط‌مشی‌گذاری بهینه و تصمیم‌گیری مطلوب منجر خواهد شد (پارسونز^۲، ۲۰۰۷). محققان و نویسندگان بسیاری به نقش اعتقادات مذهبی و آموزه‌های دینی و اخلاقی در خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری درست مدیران و خط‌مشی‌گذاران اشاره کرده‌اند (کولبرگ^۳، ۱۹۸۱؛ گورساک^۴، ۱۹۹۸؛ اونیل^۵، ۲۰۰۴؛ واسکونسیلوس^۶، ۲۰۰۹؛ رونان^۷، ۲۰۰۹؛ هاینس، ۲۰۱۵).

خردسالاری از ویژگیهای دیگر خط‌مشی‌گذاری مهدوی است که در این پژوهش به آن رسیده‌ایم. به سبب ویژگی ذاتی عصر موعود و به دنبال افزایش تدریجی بلوغ فردی و اجتماعی امت اسلامی، فضای اطلاعاتی بسیار شفاف و آگاهی فردی و گروهی بمراتب زیادتر است. در نتیجه اقتضای این وضعیت این است که کمتر از تصمیم‌گیریهای شهودی و اشراقی استفاده شود و

1 - Monotheism Policy

2 - Parsons

3 - Kohlberg

4 - Gorsuch

5 - O'Neill

6 - Vasconcelos

7 - Ronan

عمدتاً خردمندی و عقلانیت چراغ راه کارگزاران در حوزه خط‌مشی‌گذاری گردد. خط‌مشی‌گذاری اطلاعات محور و دانش‌بنیان از ویژگی‌های خردسالاری حکومت(های) اسلامی در پرتوی آینده‌موعود است. یک خط‌مشی عقلایی و خردسالارانه می‌تواند «حداکثر منفعت اجتماعی» را در دولتها و حکومتها به دنبال داشته باشد (دای، ۲۰۱۳: ۱۸). محققان و نویسندگان معتقد هستند که عقلانیت‌گرایی و خردسالاری در خط‌مشی‌گذاری از مبانی عمده حکومت‌های موفق به‌شمار می‌رود و اغلب جوامع سعی بر آن دارند تا از مجرای عقلانیت به نتایج بهینه و کارآمد تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های حکومتی خود نائل آیند (دای، ۲۰۱۳؛ هاوالت و همکاران، ۲۰۰۹؛ الوانی، ۱۳۸۷؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳؛ قلیپور و غلامپور، ۱۳۸۹؛ قلیپور و فقیهی، ۱۳۹۳؛ ساباتی‌ه، ۲۰۱۴، ترجمه دانایی‌فرد). یک نکته قابل توجه در اینجا اشاره به تفاوت عقلانیت دینی و عقلانیت غربی است. نگاه نویسندگان به مبحث خردسالاری از نوع دینی است؛ یعنی جایی که ملاک عقلانیت، اتصال به منبع وحیانی و الهی است. منطق استفاده از اطلاعات و آگاهی در اینجا ناشی از حکمت‌های فلسفی و نگاه اخروی افراد به امور ماورایی است. هر اطلاعاتی که ما را به سمت حقیقت ذات الهی سوق می‌دهد آن را به علم، روشنی و آگاهی تعبیر می‌کنیم؛ از این‌رو، عقلانیت دینی و خردسالاری دینی یعنی اینکه تمامی تصمیمات و خط‌مشی‌گذاریهای افراد در حکومت اسلامی موعود با توجه به آگاهی از نتایج ثمربخش الهی است که بر علم حقیقی، وحیانی و مکتبی خط‌مشی‌گذار مبتنی است. در حکومت‌های غربی عقلانیت را منطق طی فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات جمعی می‌دانند؛ خواه این اطلاعات رویکردی خدایی داشته باشد، خواه نداشته باشد. بر اساس نتایج این پژوهش، عدالت‌محوری از شقوق غیر قابل اجتناب خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر مهدویت است. آموزه حق‌مدار [خط‌مشی‌گذاری مهدوی]، تحقق عدالت را مستلزم تمهید زمینه‌های دستیابی همه‌آحاد جامعه به حق خود در برخورداری از امنیت کامل، رفاه نسبی و آگاهی و اطلاعات کافی می‌داند (پورعزت و الوانی، ۱۳۸۳: ۱۱). محققان دیگری هم معتقد هستند که بی‌عدالتی و نگرش‌های یکسویی و جزئی‌نگری از آفتهای هر سامانه خط‌مشی‌گذار به‌شمار می‌رود (مقیم، ۱۳۹۴: ۱۳۱). محققانی نظیر دای (۲۰۱۳)، هاوالت و همکاران (۲۰۰۹)، نبوی (۱۳۹۲)، گودرزی (۱۳۸۹)، دانایی‌فرد و زنگویی‌نژاد (۱۳۸۸)، قلیپور و غلامپور (۱۳۸۹)، پورعزت (۱۳۸۳)، الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۳) و دیگران در تحقیقات خود به طور مشابه به بحث وجود عدالت در فراگرد خط‌مشی‌گذاری حکومتها اشاره کرده‌اند.

خط‌مشی‌گذاری کمالگرا، یافته‌ی دیگر این پژوهش است. این نوع خط‌مشی‌گذاری با عواملی همچون توجه به اخلاق و تربیت‌گرایی، تزکیه و تهذیب نفس عامه‌ی مردم، توجه به بعد معنوی و ماورایی انسانی، توجه به حس تعالی‌گرایی انسان و... در آثار پژوهشگرانی نظیر پارسونز (۲۰۰۷)، دای (۲۰۱۳)، مقیمی (۱۳۹۴)، نبوی (۱۳۹۲)، گودرزی (۱۳۸۹)، پورعزت (۱۳۸۳)، الوانی (۱۳۸۷)، الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۳) و دیگران یافت می‌شود. پس جامعه‌ی موعود قرآنی در پرتوی خط-مشی‌گذاری کمالگرا باید مترصد انتخاب مسیرهای مفید و مناسب در خط‌مشی‌گذاری باشد تا در آن حق افراد محترم شمرده شود و امکان رشد و کمال مکارم اخلاقی برای همگان فراهم آید.

پیشنهاد اصلی پژوهش این است که سامانه‌های خط‌مشی‌گذاری کشورهای اسلامی و دولت‌های آن به سمت خط‌مشی‌گذاری مهدوی هدف‌گذاری شود. این نظام منطقی می‌تواند به‌مثابه طراحی سامانه خط‌مشی‌گذاری مد نظر حکومت‌های اسلامی بویژه ایران قرار گیرد. سامانه خط‌مشی‌گذاری در این کشورها پس از بازمهندسی و بازفرینی باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تعهد به حفظ خود، بتواند پاسخگوی موقعیت و مقتضیات متفاوت باشد و هوشمندانه در سیری یادگیرنده و کمال‌جویانه به صورت اقتضایی با وضعیت روبه‌رو شود. کشورهای اسلامی و حکومت‌های معتقد به مهدویت برای دستیابی به آرمان‌های مهدوی در خط‌مشی‌گذاری، باید آموزه‌های وحیانی، نص صریح قرآن کریم و هم‌چنین سنت نبوی و علوی را پایه‌های خط‌مشی‌گذاری خود بدانند. خط‌مشی‌های آنها باید نشان‌دهنده‌ی حضور عینی دین در عرصه‌های اجتماعی باشد. توجه به ابعاد وجودی انسان در عرض تمرکز بر جنبه‌ی الوهیت انسان موحد، تصمیم‌گیریها و خط‌مشی‌گذاریهای الهی را با مشارکت مردم به تصمیمی ممتاز، سالم، بی‌عیب و متعالی تبدیل خواهد کرد که برآورنده‌ی تمامی نیازهای فطری و شئون حیات مادی امت اسلامی خواهد بود. به سبب تصمیم‌ها و تدوین خط‌مشی‌های عقلایی و خردسالارانه در کشورهای اسلامی، باید فضای اطلاعاتی بسیار شفاف داشته باشیم و حکومتها تلاش کنند آگاهی فردی و گروهی جامعه بمراتب افزایش یابد. نتیجه اقتضای موقعیت این است که کمتر از تصمیم‌گیریهای شهودی و اشرافی استفاده شود و عمدتاً خردمندی و عقلانیت چراغ راه کارگزاران در حوزه خط‌مشی‌گذاری خواهد بود. خط‌مشی‌های کمالگرا در کشورهای اسلامی باید با موازینی همچون تربیت‌گرایی، معنویت‌گرایی، اخلاق‌مداری، تهذیب‌گرایی، تقرب‌گرایی محک زده شود. این نوع خط‌مشی‌گذاری در حکومت‌های اسلامی نشان از نوعی خط‌مشی‌گذاری با دیدی کاملاً نوگرایانه است. خط‌مشی‌های

کمالگرا در کشورها، توجه به ابعاد وجودی انسان را لازمه سیر معرفتی و حیاتی امت اسلامی می‌دانند. حکومت‌های اسلامی باید به ارتقای سطح بلوغ فکری و اعتقادی امت اهتمام بورزند؛ چرا که این بلوغ اجتماعی در عصر ظهور سبب می‌شود بسیاری از مشکلات اجتماعی به دست خود آنها حل و فصل شود. مناسبات حکومت اسلامی در پرتوی آینده‌موعود می‌تواند طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که امت اسلامی مسئله‌ای جزء رشد و تعالی خود احساس نکند. شئون مادی و حیات طبیعی خود را تنها عرصه‌ای موقت برای عروج به سمت معارج و مدارج عالیة انسانی بدانند. خط‌مشی‌گذاران و کارگزاران حکومت‌های اسلامی باید تصویر واضح، روشن و محرکی از جامعه‌موعود داشته باشند تا بتوانند معیارهای تصمیم‌گیری در عصر موعود را در جامعه کنونی خود نهادینه کنند؛ لذا ارائه تصویر زیبای جامعه و شهر عدل مهدوی در کنار معرفی سبک خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری و اهداف حکومت حضرت حجت سلام‌الله‌علیها کمک می‌کند تا هدف‌گیری و جهت‌گیری برنامه‌ها و خط‌مشی‌های فعلی کشورها و دولتهای اسلامی به سمت مهدویت و تفکر ناب موعودگرایی آخرالزمانی سوق پیدا کند. نظریه‌پردازی اصل ولایت و امامت امت نیز با استعانت از تصویرپردازی درست و دقیق از مدینه فاضله موعود به انقلاب فکری و تغییر نگرش به سمت خط‌مشی‌های ناب منجر خواهد شد. به استناد نظر خبرگان، اجرای کارآمد و اثربخش خط‌مشی‌های حکومتی در کشورهای اسلامی نیازمند سازمانهای چابک و پویا است. از بین رفتن بوروکراسی، حذف سازمانهای زائد، کوچک‌سازی دولت، ایجاد سازمانهای مردم‌نهاد و اقتضایی همگی از ویژگیهای حکومت مهدوی است.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: نشر دار القرآن الکریم.
- آراسته، حسین (۱۳۹۲). *میانی حکومت اسلامی*. چ هشتم. ویرایش سوم. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- آقا پیروز، علی؛ خدمتی، ابو طالب؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود (۱۳۸۸). *مدیریت در اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الماسی، حسن (۱۳۹۳). *فرایند سیاست‌گذاری عمومی: تحلیل و انتخاب*. تهران: انتشارات سپاهان.
- الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۳). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. چ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. چ سیزدهم. تهران: سمت.

- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۹). آشنایی با روش دلفی. فصلنامه مدیریت شهری. س ۱. ش ۱: ۳۵-۴۰.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۹۳). درآمدی بر مسائل سیاسی دکترین مهدویت. فصلنامه انتظار موعود. س ۵. ش ۱۶: ۳۹-۵۷.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲). تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی. سخن سمت. ش ۱۰.
- پورعزت، علی اصغر؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۸۳). مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی حق‌مدار (بر اساس نهج البلاغه). دانشور رفتار. س ۱۱. ش ۵: ۳۹-۱۱.
- تسلیمی، محمد سعید (۱۳۹۲). تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری. تهران: انتشارات سمت.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خواستار، حمزه (۱۳۹۳). طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری برای تأمین امنیت فضای تبادل اطلاعات. رساله دکتری. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- دانایی‌فرد، حسن؛ زنگویی‌نژاد، ابوذر (۱۳۸۸). تئوری شایسته‌سالاری مدیریتی بر مبنای استراتژی داده‌بنیاد: برداشتی از نهج‌البلاغه. دانشور رفتار مدیریت و پیشرفت. س ۱۸. ش ۱: ۲۶۴-۲۴۳.
- دانش‌فرد، کرم اله (۱۳۹۳). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات صفار.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۳). دکترین مهدویت و حکومت جهانی مهدوی. فصلنامه انتظار موعود. س ۵. ش ۱۶: ۱۳-۲۹.
- رضائیان، علی (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات سمت.
- ساباتی، پل ای. (۱۳۹۳). نظریه‌های فرایند خط‌مشی عمومی. ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار.
- سالواتوره، دومینیک (۱۳۶۹). تئوری و مسائل اقتصاد خرد. ترجمه حسن سبحانی. تهران: نشر نی.
- شریف‌القرشی، باقر (۱۳۷۹). نظام حکومتی و اداری در اسلام. ترجمه عباسعلی سلطانی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۳). دکترین مهدویت: چیستی، خاستگاه، ضرورت‌ها و راهکارها. فصلنامه انتظار موعود. س ۵. ش ۱۶: ۵۸-۷۱.
- طیبی، سید جمال‌الدین (۱۳۷۴). جایگاه آینده‌نگری در برنامه‌ریزی آموزش مالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. س ۳. ش ۹: ۶۰-۳۹.
- علیزاده، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید؛ ناظمی، امیر (۱۳۸۷). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۹). آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.

کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۸۲). مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
گیوریان، حسن؛ ربیعی مندجین، محمدرضا (۱۳۸۱). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات
یکان.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). افق جهانی: مدل مدیریت راهبردی موعودگرا. تهران: انتشارات دانشگاه امام
صادق(ع).

قلیپور، رحمت الله؛ فقیهی، مهدی (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی. تهران: انتشارات
مهکامه.

قلیپور، رحمت الله؛ غلام‌پوراآهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: انتشارات مرکز
پژوهش‌های مجلس.

مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴). اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات راه‌دان.

نبوی، محمد حسن (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی. چ بیست و یکم، ویرایش سوم. قم: انتشارات بوستان کتاب.

- Anderson, J. E. (1984). **Public-Policy making: An Introduction (3rd ed.)**. Boston. MA: Houghton Mifflin.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2007). **Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory**. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Creswell, J. (2012). **Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (4th ed.)**. Pearson.
- Dunn, William N. (1998). Methods of the Second Type: Coping With the Wilderness of Conventional Policy Analysis. **Policy Studies Review**. 7(4): 720-737.
- Dye, T. (2013). **Understanding Public Policy (14th ed.)**. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Dye, Thomas R. (1995). **Understanding Public Policy**. Eight Edition, New Jersey. Prentice Hall. Englewood Cliffs.
- Eyeston, R. (1971). **The Threads of Public Policy: A study in Political Leadership**. Indianapolis. IN: Bobbs-Merrill.
- Fischer F. and Miller G. and Sidney (2007). **Handbook of Public Policy Analysis; Theory, Politics, and Methods**. CRC Press. Boca Raton London New York.
- Foresight: What's in a name?. **Futures**. 42. 177-184.
- Ghoshal, Sumantra (2005). Bad Management Theories Are Destroying Good Management Practices. **Academy of Management Learning & Education**. 4(1): 75-91.
- Golafshani, N. (2003). Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. **The Qualitative Report**. 8(4): 597-607.
- Haynes, Jeffrey, (2015). Religion, 'soft power' and foreign policy making in the USA, India and Iran", **Governance and International Relations journal**. 11. 4: 1-21.
- Hogwood, B. W., & Gunn, L. (1984). **Policy Analysis for the Real World**. Oxford. UK: Oxford University Press.
- Howlett, M. & Ramesh, M. and Perl A. (2009). **Study Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems**. Ontario: Oxford University Press.
- Inayatullah, Sohail, (2002). Framing the shape and time of the future. **Futures**. 23. 465-253.
- Jenkins, W. (1978). **Policy Analysis: A Political and Organizational Perspective**. London: Martin Robertson.

- Johnson, B. (1997). Examining the validity structure of qualitative research. **Education**, 118(3): 282-292.
- Kvale, S. (1996). **Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). **Naturalistic inquiry**. Beverly Hills, CA: Sage.
- Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). **beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide**. London: The Falmer Press.
- Novaky, E., (2007). Responsibility for the Future. **Journal of Futures Studies**. 12(2): 101 – 110.
- O' Neill, L., J. (2004). Faith and decision-making in the Bush presidency: The God elephant in the middle of America's living-room. **Special Double Issue Journal**. 6(1): 149-156.
- Osborne, Stephen P. (2010). **the (New) Public Governance: A Suitable Case for Treatment? In S.P. The New Public Governance**, LONDON: Rout ledge.
- Parsons, Kurt R. (2007). A Study of Religouce Faith and the Ethical Decision Making Prosses. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Leadership and Human Resource Development.
- Patton, M. (2002). **Qualitative evaluation and research methods**. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
- Sardar, Ziauddin (2010). The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic.
- Schmidt, Vivien A. (2008). Discursive Institutionalism: The Explanatory Poewr of Ideas and Discourse. **Annual Review Political Science**. 11: 303-326.
- Schwarz, J.O., (2007). Assessing the future of futures studies in management. **Futures**. 18 (8): 108-131.
- Simon, C. A. (2007). **Public Policy: Preferences and Outcomes**. New York: Pearson Longman.
- Smith, K. B., & Larimer, C. W. (2009). **The Public Policy Theory Primer**. Boulder. CO: Westview.
- Stenbacka, C. (2001). Qualitative research requires quality concepts of its own. **Management Decision Journal**, 39(7), 551-555.
- Tapio P. and Hietanen O., (2002). Epistemology and public policy: using a new typology to analyses the paradigm shift in Finnish transport futures studies. **Futures**. 34(1): 597-620.
- Vasconcelos, A., F. (2009). Intuition, prayer, and managerial decision-making processes: a religion-based framework. **Management Decision Journal**. 47 (6): 930-949.
- Wilson, R. (2006). **Policy Analysis as Policy Advice**. In M. Moran, M. Rein & R. E. Goodin (Eds). **The Oxford Handbook of Public Policy**. New York, NY: Oxford University.

